

بررسی نقش فرهنگ عاشورایی در تمدن نوین اسلامی

سیده مرضیه یثربی^۱، مبینا قاسمی^۲، افسانه کاظمی^۳

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد
۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه شاهد
۳. کارشناس ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال نهم)
شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۶ / ص ۱۱۵-۱۰۱

چکیده

فرهنگ زیربنای تمدن است و فرهنگ غربی، تمدن غربی و فرهنگ اسلامی، تمدن اسلامی را به وجود می‌آورد. همزمان با ورود مدرنیسم به جامعه ایران، تمدن ایران اسلامی تحت- الشاعع فرهنگ غربی قرار گرفت. بنابراین احیای فرهنگ اسلامی در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی در جامعه ما اهمیت و ضرورت ویژه‌ای می‌یابد. عاشورا به عنوان فرهنگ برآمده از اندیشه امامت، منشاء تحولات بنیادینی در تاریخ اسلام گردیده است. از این‌رو حمامه عاشورا به عنوان فرهنگ سیاسی تشیع، عمیق‌ترین و گویاترین رهنمود برای نهضت‌ها بخصوص نهضت‌های اسلامی است و الگوی بسیاری از حرکت‌های سیاسی اسلامی می‌باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، تاثیر مولفه‌های تمدن‌ساز فرهنگ برآمده از عاشورا را بر احیای تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار داده است. در این راستا با مراجعه به منابع موجود، مولفه‌های اصلاح‌طلبی، آزادگی و عزت مداری، استقامت و مقاومت، احیای مکتب شهادت، ظلم ستیزی و عدالت گسترشی به عنوان مولفه‌های سیاسی فرهنگ عاشورا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از پژوهش مovid این مطلب است که فرهنگ عاشورا از ظرفیت کافی برای تقابل با فرهنگ و تمدن غربی برخوردار است و گزاره‌های لازم را برای تمدن‌سازی و ایجاد پیشرفت مادی و معنوی در بستر خود دارد. چنان‌که در وقوع انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از این فرهنگ وسیع توسط امام امت و مردم، نخستین حلقه از زنجیره تمدن نوین اسلامی شکل گرفت.

کلمات کلیدی: فرهنگ، فرهنگ عاشورایی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

تمدن نوین اسلامی، آرمان و چشم انداز بزرگ همه انبیا و اولیای الهی از زمان های دور تا به امروز بوده است. آرزوی همه حقیقت جویان عالم این بوده است که بتوان ساختاری برپایه عزت و عدالت در جهان ایجاد نمود که این آرزو با زمان و دوران ما مصادف شده است. پس از آن که پیامبر گرامی اسلام (ص) پیام تعالی بخش اسلام را برای بشریت به ارمغان آورد، در دوره ای کوتاه جامعه اسلامی از اهداف و ارزش های اسلامی به واسطه ظلم و تعدی دستگاه حاکم دور گشت، اما با قیام امام حسین (ع) که با هدف اصلاح جامعه صورت گرفت، این ارزش های والا مجدداً احیا شد و با گذشت و ایثار آن امام، بشریت دوباره در مسیر درست خویش قرار گرفت. حادثه عاشورا از این جهت که از تمامی جنبه های اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، توحیدی، عرفانی و اعتقادی برخوردار است عصاره کل فضیلت های بشری است. بنابراین می توان بیان کرد که نهضت امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری قمری به نوعی زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی را در آینده فراهم ساخت. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران که به پیروی و الگوگیری از نهضت عاشورا و قوع پیوست، نقطه عطف دیگری برای دستیابی به آن آرمان تحقق یافت که سرعت وصول به تمدن نوین اسلامی را چتربایر نمود. این پژوهش در نظر دارد که با بیان برخی از مولفه های نهضت حسینی و فرهنگ عاشورایی و اشتراک آن با تمدن نوین اسلامی، جایگاه فرهنگ عاشورا را در تمدن نوین اسلامی روشن و تبیین نماید.

الف-تعريف مفاهیم**فرهنگ**

فرهنگ را می توان جزو مولفه های اصلی هر جامعه انسانی دانست که در جهتدهی مسیر حرکت و در بنیان هر جامعه تاثیر بسزایی دارد. فرهنگ شامل زیرشاخه هایی مانند فرهنگ اجتماعی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ سیاسی و... می شود که در این میان نقش بی مانند فرهنگ سیاسی بر سرنوشت یک جامعه جای بحث و دقت نظر فراوان دارد. فرهنگ تشیع از قابلیت ها و ظرفیت های فراوانی برای تمدن سازی برخوردار است، همان طور که به عنوان عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی برخوردار است. مکتب عاشورا، بهویژه در سال های اخیر نقش مؤثری در ایدئولوژی پروری در سطح خاورمیانه ایفا کرده است. این ایدئولوژی شامل دو بخش است:

یک بخش از این ایدئولوژی ظلم سنتیز شامل کنار گذاشتن تقویه و جواز شورش و طغیان علیه نظام استکبار
بخش دوم آن عبارت است از انحصار مشروعیت حاکمیت سیاسی به ولایت فقیهان عادل (بی، نا، ۱۳۸۵: ۷).

فرهنگ اسلامی و فرهنگ عاشورا

فرهنگ اسلامی مجموعه آموزه هایی را در بر می گیرد که از کتاب، سنت و عقل استخراج می شود. فرهنگ عاشورا ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می شود و شامل گفتار، رفتارها و اخلاقیات شاخص و مفاهیم جاری در حوادث عاشورا را در بر می گیرد و در واقع زیربنای فکری و فرهنگی امام (ع) و یارانش را تشکیل می دهد. از این رو مبارزه با ستمگران و تقویت روحیه فرهنگ جهاد، شهادت و صبر برای تحقق تمدن جهانی امام عصر (ع) ضروری است (غلامی و حسن خانی، ۱۳۹۴: ۲۹۲).
مجموعه آن باورها و ارزشها و مفاهیم را می توان در عنوان های زیر خلاصه کرد: مقابله با تحریف دینی، مبارزه با ستم طاغوتها، و جور حکومت ها، عزت و شرافت انسان، ترویج مرگ سرخ بر زندگی ذلت بار، پیروزی خون بر شمشیر و شهادت بر فاجعه، شهادت طلبی و آمادگی برای مرگ، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سنت های اسلامی، فتوت و جوانمردی حتی در برخورد با دشمن، نفی سازش با جور یا رضایت به ستم، اصلاح طلبی در جامعه و... .

منظور از فرهنگ عاشورا مجموعه مفاهیم، سخنان، اهداف و انگیزه ها، شیوه های عمل، روحیات و اخلاق والایی است که در نهضت کربلا گفته شده یا به آن عمل شده یا در حوادث آن نهضت تجسم یافته است. این ارزش ها و باورها هم در کلمات سیدالشهدا و فرزندان و اصحاب ایشان متجلی است و هم در رفتارشان در جریان آن قیام، همین فرهنگ است که در هر جا و در میان هر قومی باشد، کربلا آفرین می گردد. فرهنگ عاشورا همان زیربنای عقیدتی و فکری است که در امام حسین (ع) و شهدای کربلا و اسرای اهل بیت (ع) بود و سبب پیدایش آن حماسه و ماندگاری آن قیام شد (نگارش، ۱۳۸۶: ۱۱۰). حادثه شهادت امام حسین (ع) و خون هایی که ریخته شد، می توانست به محدود شدن و از بین رفتن اندیشه اسلام ناب منجر شود، اما با ابتکار و مدیریت ائمه (ع) توانست به حیات اندیشه اسلامی بینجامد.

تمدن

کلمه «تمدن» در زبان عربی از «مدن» اخذ شده است و در معنای لغوی به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. این کلمه ترجمه «Civilization» است که از کلمه لاتینی «Civilis»، متعلق به کلمه «vivis» یعنی «شارمند» مشتق شده است. یونانیان باستان با این کلمه نشان می دادند که شهر را شکل برتری از زندگی است. در فرهنگ های فارسی نیز تمدن به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن آمده است. بهطور کلی اگرچه هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک

تمدن است، اما باید توجه داشت که تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع، شهرنشینی معلول تمدن بوده است، نه علت آن. بر اساس گفته جان برنا، شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را باشد آورده وجود برای معنی اصطلاحی «تمدن»، تعاریف گوناگونی ارائه شده است و در طول سده‌های اخیر، دچار تحوّل مفهومی نیز شده است. به عنوان نمونه علامه محمد تقی جعفری تمدن را این گونه تعریف می‌کند: «تمدن تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است». در کل می‌توان گفت: تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه نشینی است و سهیم شدن در امور اجتماعی و یا به قول این خلدون، عمران یافتن است (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۵).

ب- تمدن و فرهنگ

تمدن در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد و تداوم می‌باید. در واقع نوع جهان‌بینی و نگرش افراد به زندگی زمینه پی‌ریزی تمدن‌ها را فراهم می‌آورد. در مورد رابطه تمدن و فرهنگ رویکردهای مختلفی مطرح شده است:

رویکرد اول: فرهنگ و تمدن را یکی دانسته و معتقد‌نده تمدن همان فرهنگ می‌باشد. برخی از متغیرین اسلامی مانند امام موسی صدر فرهنگ اسلامی را با همین دیدگاه تحلیل کرده است.

رویکرد دوم: تمدن و فرهنگ کاملاً متمایز از یکدیگرند و هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. این گروه فرهنگ را شامل عقاید و آفرینش‌های انسانی شامل هنر، ادبیات و غیره می‌دانند و تمدن را به حوزه خلاقیت‌های انسانی در علم و فناوری منحصر می‌کنند.

در رویکرد سوم در عین حال که فرهنگ و تمدن را دو چیز مجزا می‌دانند بین آن‌ها ارتباط قائل هستند. این دیدگاه چشم‌انداز گسترده‌تری را ارائه می‌کنند. به عبارت دیگر تمدن بیشتر جنبه علمی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ذهنی و معنوی دارد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۷۰-۳۷۲). مقاله حاضر، از این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است.

می‌توان گفت تمدن سیستمی است که سه خرده نظام فکری، ارزشی و عینی را در بر می‌گیرد؛ یعنی تمدن‌های مختلف از فرهنگ یا نظام‌های ارزشی و فکری متفاوت برخوردارند و در واقع این تفاوت‌های بنیادی است که در عینیات مادی جلوه می‌کند. بنابراین نظام‌های فکری - ارزشی یعنی مکاتب و ادیان هرکدام تمدن خاص خود را تولید می‌کنند، البته نقش ادیان الهی در تمدن سازی بسیار برجسته است و رسولان الهی بزرگ‌ترین معماران تمدن تاریخ بوده اند. در این میان در بین ادیان الهی تمدن آفرینی اسلام کاملاً آشکار است. به سخن امام خمینی (ره): «اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفت‌ترین کشورها خواهد بود.» تمدن کنونی غرب که پس از رنسانس خود و بعد از تمدن اسلامی ظهر کرد، با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و در حال حاضر از بحران‌هایی چون بحران معنویت، اخلاقی، خانوادگی، دنیازدگی، خشونت و سکس و مادی گرایی صرف رنج می‌برد. از سوی دیگر عالم ظهور تمدن نوین اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز نمایان گردیده است (مصطفی، ۱۳۸۷).

ج- عاشورا و تمدن سازی

جامعه تشکل یافته اسلامی در مدینه النبی، واجد همه صفات لازم برای آغاز حرکت تمدنی خود بود. بنابراین حضور پیامبر (ص) در مدینه و تشكیل حکومت را باید در جهت تمدن سازی اسلام برشمرد. پیامبر اکرم (ص) با اقبال مناسب مردم یثرب، نخستین اصول و پایه‌های تمدن و مدنیت جامعه‌اش را بر سمعه صدر، حسن تفاهم، نفی استبداد، مهربانی و همزیستی انسان بینان نهاد. (عروتی موفق، ۱۳۸۵: ۳۵)

اما بعد از پیامبر (ص) انحراف‌های بنیادی در جامعه اسلامی شکل گرفت. این انحراف‌ها زائیده انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود از سقیفه به بعد بود که پس از شهادت علی(ع) به دست سلسله سفیانی و ضد اسلامی اموی افتاد. به گواهی استناد تاریخی، سران اموی هیچ اعتقادی به اسلام و اصول آن نداشتند و ظهور اسلام و بعثت پیامبر(ص) را جلوه‌ای از پیروزی تیره بنی هاشم بر تیره بنی امية، در جریان کشمکش قبیلگی در درون طایفه بزرگ قریش می‌دانستند و با یک حرکت خزندگانه، به تدریج در پوشش اسلام به مناصب کلیدی دست یافتند و سرانجام از سال چهلم هجری، حکومت اسلامی به دست امویان افتاد. پس از بیست سال حکومت معاویه، پسرش یزید به قدرت رسید که اوج انحراف بنیادی و جلوه ای آشکار از ظهور "جاهلیت نو" بود. امام حسین(ع) نمی‌توانست در برابر چنین فاجعه‌ای سکوت کند. درواقع قیام سیدالشهدا(ع) نقطه عطفی برای حرکت به سوی ایجاد یک تمدن اسلامی است. اما اگر تمدن را به معنای یک حاکمیت و حکومت مقتدر و تمام و کمال بشناسیم که در یک قلمرو وسیع با همه لوازم و ابزارش ایجاد شده باشد، بعد از سیدالشهدا(ع) چنین حاکمیتی وجود نداشته است. اگر در برخی مقاطع حکومتی هم بوده، حکومتی غیراسلامی بوده است یا ظاهر اسلامی داشته ولی همه لوازم آن محیا نبوده است. با رویکرد و قیام سیدالشهدا(ع) می‌توان به دنبال ایجاد یک تمدن اسلامی مبتنی بر تفکر ایشان

بود. سیدالشهداء(ع) تجلی سختگیری و شدت بر کفار و دشمنان است. ایشان در روز عاشورا دو جلوه الهی را در حقیقت متجلی کردند. از یک طرف از قیام ایشان اوج محبت، عاطفه و معوبت و حرانیت را در رابطه امام حسین(ع) با اصحابشان و از طرف دیگر اوج مقاومت سیدالشدهاد(ع) در برابر دشمنان مشاهده می شود. این امر تجلی آیه شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْهُمْ» است. ما می توانیم با الهام از این قیام عظیم سیدالشدهاد(ع) که تا تاریخ باقی است این قیام هم باقی است و روز به روز گسترش تر خواهد شد (سبحانی نیا، ۱۳۹۵).^۱

از کلمات و روش امام حسین (ع) مشخص می شود که حضرت برای اصلاح جامعه تلاش کردند و اصلاح جامعه را در احیای امر به معروف و نهی از منکر می دیدند. ایشان این کار را انجام می دادند، اما برای اصلاح جامعه آن زمان فقط دو راه وجود داشت: یک راه تشکیل حکومت و راه دوم شهادت بود. مردم آن زمان می فهمیدند که تشکیل حکومت توسط حسین بن علی (ع) می تواند جامعه را اصلاح کند، اما معتقد بودند که ایشان موفق نمی شود و به همین دلیل، ایشان را یاری نکردند، اما آن ها این موضوع را نمی فهمیدند که خون حسین بن علی هم می تواند جامعه را اصلاح کند. به همین دلیل، امام حسین (ع) فرمودند که «هر کس به من ملحق شود، شهید می شود و هر کس به من ملحق نشود به پیروزی نمی رسد.» درواقع امام حسین (ع) ایمان دینی را زنده کردند. هسته مرکزی فرهنگ، اعتقادات است که اگر سست شود، ارزشها، احکام و سنتها هم از دست می رود. امام حسین (ع) با قیام خود، اعتقادات را محکم کردند و اجازه ندادند که باور به رسالت رسول خدا و نبوت ضایع شود. بنی امیه می خواستند اعلام کنند که دیگر اندیشه توحید و نبوت بر مبنای اسلام باطل است و باید به دوران جاهلیت و بت پرستی بازگردیم، اما امام حسین (ع) با بیدار کردن ارادت مردم به خدا و رسول اجازه ندادند که کسی جرئت انجام چنین کاری را پیدا کند. این گونه بسیاری از ارزشها و احکام اسلامی هم از دل همین اعتقادات جوانه زد. وقتی فرهنگ اسلامی ماند، زمینه برای حکومت و تمدن اسلامی نیز فراهم شد؛ یعنی از دل دین اسلام، حکومت اسلامی و از دل حکومت اسلامی تمدن اسلامی جوانه زد. امام حسین (ع) این اعتقادات را بعد از شهادت خود، فوراً در دل ها زنده کردند. تأثیر مهم دیگر، احیای تشیع در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت بود. امام حسین (ع) با قیام و شهادت خود اجازه ندادند که تشیع نابود شود، به طوری که بعد از آن در کوتاه مدت قیام مختار و قیام توابین رخ داد و در میان مدت سنت های عزاداری مرسوم و عزاداری تبدیل به یک نهضت فرهنگی در تاریخ شد. حتی در زمان متولک عزاداری سیدالشدها و زیارت ایشان در تاریخ بسیار باب شده بود. سپس تشیع مدام گسترش پیدا کرد و حکومت هایی مثل آل بویه و صفویان به وجود آمدند و در بلندمدت حکومت شیعه باقی ماند تا حکومت اسلامی ایران از دل این فرهنگ سر برآورد. ما با نام سیدالشدها این حکومت را به نتیجه رساندیم. با حمامه حسینی انقلاب کردیم، با حمامه حسینی جنگ را پیش بردمیم و هم اکنون با حمامه حسینی می خواهیم تمدن اسلامی را احیا کنیم. درست است که به بسیاری از ارکان اسلام عمل نمی شود، کما اینکه در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) هم عده ای اجازه نمی دادند که احکام اسلام اجرا شود، اما خمیرمایه حکومت انقلابی این پتانسیل را در خود دارد که به مرور زمان، به همه ای ارکان اسلامی عمل کند. می توان گفت در حال حاضر، انقلاب شیعیان لبنان و آنچه در عراق و یمن اتفاق می افتد، مرهون خون سیدالشدها و تأثیر تاریخی آن عمل است (سلیمانی امیری، ۱۳۹۳).^۲

اندیشه شکل گیری و شکل دهی به تمدن نوین اسلامی، دغدغه اصلی متفکران و رهبران جمهوری اسلامی است. اهمیت این مساله زمانی روشن می شود که بدانیم اساساً انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن در صورتی می تواند به حیات خود ادامه دهد و در عرصه نظری و عملی بعد جهانی پیدا نماید که به سطح تمدن ارتقا یابد. به این ترتیب اسلام از مرحله معرفی در قالب یک فرهنگ و بعد در قالب یک ایدئوژی به مرحله عالی و نهایی خود اسلام به عنوان بهترین تمدن گذر می نماید. به این معنا که تمدن صورت خاص و مادی زندگی اجتماعی بر مبنای فرهنگ و تفکر خاص است و مجموعه ایزار مادی و معنوی بشر را تحت مجموعه واحدی در می آورد که منبعث از فرهنگ خاصی است. با توجه به تحولات اخیر در سطح منطقه و جهان و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، تداوم و حیات انقلاب اسلامی ایران جز از طریق تعیین آن به تمدن امکان پذیر نیست. (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۲۹ و ۱۳۰). جمهوری اسلامی با تکیه بر فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام در کنار امکانات نظامی، سیاسی و یک سری عوامل و ظرفیت ها موجب شده به عنوان یک قدرت منطقه ای برای تمدن سازی اسلامی مطرح باشد (همان، ۱۴۳).

^۱ گفتگو با سبحانی نیا، خبرگزاری رسمی حوزه: <http://hawzahnews.com/detail/news/395775>

^۲ گفتگو با سلیمانی امیری، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان: <http://borhan.ir/nsite/fullstory/news/?Id=7922>

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های بنیادی و نظری می‌باشد که در آن از منابع شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و سایت‌های معتبر استفاده شده است. برای بررسی تاثیر مولفه‌های تمدن‌ساز فرهنگ برآمده از عاشورا بر احیای تمدن نوین اسلامی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری بوده است.

یافته‌ها

با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعاتی که در راستای تحقیق صورت گرفته است، مشخص شد که مولفه‌های زیادی در فرهنگ عاشورا وجود دارد که رابطه مستقیمی با شکل گیری تمدن نوین اسلامی دارند که از آن جمله است: قیام آفرینی، ظلم سنتیزی، شهادت طلبی، مقاومت و جهاد، اصلاح‌طلبی، زندگی مبتنی بر عزم، عزت و آزادگی، وفا مبتنی بر عهد و پیمان، عدالت گسترشی، از همه چیز خود در راه احیای دین گذشتن، تلاش برای بیداری از جهالت و... اگرچه ضروری است که همه‌ی این ابعاد و مولفه‌ها مورد بررسی قرار گیرند، اما بررسی همه این ابعاد نیاز به پژوهش‌های جدآگانه دارد، بنابراین از بین این مولفه‌ها، شش مولفه‌ی ظلم سنتیزی، اصلاح‌طلبی، عزت و آزادگی، صبر و مقاومت، عدالت گسترشی و شهادت طلبی که به نظر نگارندگان پژوهش حاضر، مولفه‌های جامع‌تری در ارتباط با تمدن نوین اسلامی هستند، مورد بررسی قرار گرفته اند که به آنها پرداخته می‌شود:

۱- ظلم‌ستیزی

اگر امام بیعت با بیزید را می‌پذیرفت و با حکومت ستمگر اموی سازش می‌کرد، مسئول انحراف امت جد بزرگوارش بود و امت دینی تحت ولایت ستمگران زمان خود قرار می‌گرفتند. در صورت بیعت امام با بیزید تمامی افراد امت، بیعت با بیزید و بیزیدیان را می‌پذیرفتند و هرگز اندیشه قیام بر علیه ظلم و فساد را حتی از سر نمی‌گذرانند و در حقیقت قیام بر ضد بیزید قیام بر علیه اسلام تلقی می‌شد (نعمه سماوی. ۱۳۸۷: ۱۳۸۱).

امام به ابعاد ظالمانه حکومت واقف بود و از ایشان خواسته می‌شد که رأی خوبیش را بفروشد و شاهد حکومت بیزید باشد ولی امام نپذیرفت و حکومت در صدد برآمد تا حق مخالفت با حکومت را از ایشان سلب نماید (نورانی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۱۸). درس بزرگی که عاشورا در این زمینه به جامعه بشری داده است اینست که باید در برابر ظلم و ستم ستمگران ایستاد هر چند به واسطه این موضع‌گیری مورد مخاطره قرار گیرد و جان او را تهدید نماید. (نظری منفرد، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

روحیه ظلم‌ستیزی با حاکمان ستم و بربایی قسط و عدل یکی از درس‌هایی است که از حمامه عاشورا می‌توان گرفت و از آن در جهت ایجاد و گسترش تمدن اسلامی بهره برد. آموزه‌های عاشورا بیانگر این واقعیت دینی است که انسان مسلمان نمی‌تواند در برابر ستم و ستمگران سکوت کند و بی‌تفاوت باشد و اگر سکوت اختیار کند در حکم همان ستمکار است. امام حسین (ع) در نامه‌ای خطاب به مردم کوفه فرمود: «به جان خودم سوکنده امام و پیشوای تنها کسی است که برابر کتاب خدا داوری کند. دادگر و متدين به دین حق باشد. وجود خوبیش را وقف و فدای فرمان خدا کند (مزینانی، بی‌تا: ۶).

تا زمانی که فرهنگ شهادت در جامعه‌ای حکم‌فرما است، روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی در آن جامعه تقویت و گسترش می‌یابد و مردم هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند زیربار ظلم و ستم حاکمان زر و زور روند و تا پای جان در برابر ظلم و ستم ایستادگی کرده و به دنبال عدالت و تسلط در جامعه خواهند بود. نتیجه ایستادگی امام (ع) و یارانش در برابر ستم ستمگران با وجود این که منجر به شهادت ایشان گردید، استراتژی جدیدی را پیش روی بشر گشود که برای رسیدن به هدف مقدس و متعالی و ریشه‌کردن مفاسد در جامعه انسانی، باید به قیمت جان و مال ایستادگی کرد. نتیجه این ایستادگی، افسایی چهره بنی امیه به جهانیان بود و علیرغم شکست ظاهری روحیه عزت را به مسلمانان آموخت. ایمان و باور راه و روش ائمه و رواج همین روحیه بود که بعد از شهادت سیدالشہدا قیام توابین و غیره را رقم زد و هماره در طول تاریخ نهضت‌های اسلامی، حرکت‌ها و شورش‌های متعددی را موجب گردید. وجود فرهنگ ایستادگی و ظلم‌ستیزی در جوامع اسلامی کنونی و تجمیع آن‌ها در جهت غلبه بر دشمنان، قدرت عظیمی را پدید می‌آورد که زمینه‌ساز تمدن والای اسلامی را پدید می‌آورد.

۲- اصلاح طلبی

مقصود از اصلاح در واژه اصلاح طلبی، اصلاح اجتماعی است و اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن در جهت مطلوب یا رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب. اساساً هویت و ماهیت قیام عاشورا احیاگری و اصلاح‌گرایی بوده است و نهضت‌حسینی در جهت احیای اندیشه و تفکر اسلام ناب نبوی و مبارزه با همه انحراف‌ها، تحریف‌ها، کژاندیشی‌ها، تحجر و جمود‌گرایی‌ها و فسادهای فردی و اجتماعی بوده است و عنصر احیاگر و اصلاح کننده «امر به معروف و نهی از منکر»، همه حوزه‌های دینی و انسانی، فردی و اجتماعی را شامل شده است. قیام عاشورا الگویی بسیار مهم و کار آمد در احیای اندیشه دینی و اصلاح اجتماعی خواهد بود و با بافت و هویت دینی جامعه اسلامی و انقلابی

ما نیز سازگاری بیشتری دارد و در عین حال آیینه زلال و صافی برای نقد جایگاه و منزلت ما قرار می‌گیرد. چنانچه واقعه عاشورا سرآغاز و الگوی آفرینش انقلاب اسلامی بود، باید منشا خیزش نوین و بازسازی و بازپروری دوران‌های جدید این انقلاب و نظام الهی و اسلامی نیز قرار گیرد تا نهضت حسینی در حدوث و استمرار و بقای آن نقش محوری و بنیادین داشته باشد. (رودگر، ۱۳۸۱).

مقصود از اصلاح، آن بود که تفکر سیاسی مردم و حاکمان و نیز رفتار سیاسی مردم مسلمان به موازات اصول اسلامی سامان یابد و اصلاح شود، اما خلافت بنی امیه اقدام اصلاحی را برنتافت و با سوء تدبیر چنان کرد که سرانجام فاجعه ای خونین بر جای ماند. در حرکت اصلاحی نه براندازی خلافت هدف است و نه دفاع از کیان و موجودیت امامت؛ بلکه امام (ع) بنا به وظیفه الهی خود به حرکتی عملی برای اصلاح اعمال مخرب که اصول هدفمند نبودی و اسلامی را تحت الشاعع خود قرار می‌داد دست زد. انحراف در خلافت تا حدی که اساس اسلام را از اصول اولیه تهدید نکند قابل تحمل است، اما اگر اساس اسلام در معرض نابودی باشد، بر امام (ع) بعنوان زعيم منصب الهی است که با صدای بلند و با پاپشاری جانانه برخیزد و اصول راستین اسلامی را فریاد زند. در این امر، مخاطب امام حسین(ع) فقط به زمامداران و خلیفه محدود نیست، بلکه کلیت امت اسلامی اعم از خلیفه و مسلمانان در حوزه خطاب امام (ع) جای می‌گیرند. مقصود امام (ع) اصلاح در ساختار امت اسلامی بود (نجفی، رهبر، ۱۳۸۸).

جامعه‌ای که از معیارهای اصیل دین و ملاک‌های ارزشی فاصله بگیرد، فساد در پیکره آن ریشه می‌دواند و روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی و آچه میان حاکم و ملت پیش می‌آید، دچار انحراف از صراط مستقیم می‌شود. گسترش بی‌بندوباری و رواج ظلم و حاکمیت پول و حیف و میل بیت المال مسلمین و تعرض بی مورد نسبت به زندگی و مال و جان مسلمانان و عدم امنیت و عدالت، گوشه ای از این فساد اجتماعی است. راه فسادزدایی نیز اقدام‌های اصلاحی کردن مسئولان به رفتار عادلانه و اجرای دقیق قانون و عمل به کتاب و سنت است. این نوعی حرکت اصلاح‌گرانه است که امام حسین(ع) نیز در نهضت خویش آن را دنبال می‌کرد و بر اوضاع ناسامان اجتماع، صحه نمی‌گذشت و مهر سکوت بر لب نمی‌زد. سیدالشہداء در سخن معروف خویش، با اشاره به این هدف اصلاحی، خروج خویش را با انگیزه طلب اصلاح در امت پیامبر معرفی کرده است: و إنما خَرَجَتْ لِطَلَبِ الإِلَاصَاحِ فِي أَمَّهُ جَدِّي. این اصلاح‌گری، هم شامل شیوه‌های رفتاری حکومت جائز و مسئولان می‌شود، هم خصلت‌ها و عملکرد مردم و امت را دربرمی‌گیرد. ترغیبی که امام حسین(ع) در یکی از خطبه‌هایش جهت فدکاری و جانبازی دارد، همراه با ترسیمی از اوضاع اجتماعی آن روز است که: آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌گردد؟ پس در چنین شرایطی باید مونم با مبارزه اش مشتاق دیدار خداوند باشد؛ چرا که زندگی در چنین دوره‌ای مایه ننگ و عسرت است و مرگ، سعادت است. قیام اصلاحی اباعبدالله الحسین(ع) ریشه در نهضت‌های اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفاسد برچیده شود. (محدثی: ۱۳۸۵).

به طور قطع اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی مورد نظر اسلام، نقد، اصلاح و پاسخگویی در جهت اهداف نظام اسلامی و در چهارچوب آن است. درصورتی که دشمنان اسلام تغییر اصل ساختار دین را هدف قرار داده و اصلاحات از نظر آنان تغییر و تبدیل اسلام به یک مجموعه وابسته و سرسپرده به غرب، بدون دخالت در امور اجتماعی و سیاسی مردم است، در حالی که قرآن کریم این نوع اصلاح طلبان را مفسد معرفی می‌کند، چنانچه رهبر انقلاب در تفسیر آیه ۱۱ سوره بقره می‌فرمایند: برای یک ملت، هدف استقلال، هدف رهاسدن از سلطه قدرت‌های بیگانه، هدف رسیدن به ارزش‌های اخلاقی و هدف آلوده نبودن به کالاهای فاسد و پس مانده فرهنگ فاسد غربی و سرباز زدن از این‌ها هدف‌های والایی است که اگر کسی بتواند با یک بیشن منصفانه حرکت و جهاد و مقاومت این مردم را مشاهده بکند تایید می‌کند که اگر مانعی برایشان به وجود آوردد، این فسادانگیزی است. قرآن به شکلی قاطع می‌گوید: این‌ها مفسدند اما خودشان نمی‌فهمند و ملتفت نیستند، لذا به خیال خودشان دارند کار خوب می‌کنند و نمونه‌های اینچنینی را می‌توان در جامعه کنونی مشاهده کرد که چیزی می‌گویند و می‌نویسند و یا کاری می‌کنند که در جهت مقابله با این هدف و با این حرکت است و خیال می‌کنند این یک اصلاح است و یک حرکت به نفع مردم یا به نفع کشور است، در حالی که اگر با بیشن درست نظر کنیم، می‌بینیم درست درجهت مصالح دشمنان و جهت عکس مصالح ملت است. (خاری آراني، علی اکبرزاده آراني، ۱۳۹۴: ۷۳).

لذا لازمه شکل‌گیری تمدن، اصلاح اوضاع نامطلوب جامعه است. زیربنای ایجاد تمدن نوین اسلامی، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای شکوفایی و پیشرفت است و تا زمانی که اوضاع و شرایط نامطلوب جامعه اصلاح و برطرف نشود، نمی‌توان شرایط مطلوب را به وجود آورد. یعنی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، ضروری است که ابتدا جامعه از هرگونه انحراف و فسادی که در آن وجود دارد اصلاح شود. امام حسین (ع) در واقعه عاشورا هدف خود را از قیام، اصلاح در امت پیامبر(ص) ذکر کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که با وقوع قیام امام حسین(ع)، از همان سال ۶۱ هجری قمری زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم گردید. زیرا اگر جامعه اسلامی از اصول کلی و خطوط اصلی اسلامی منحرف شده باشد، تا زمانی که این انحراف اصلاح نشود نمی‌توان انتظار ایجاد تمدن اسلامی را داشت. بنابراین اصلاح و اصلاحطلبی از پیش شرط‌های مهم و ضروری در دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

۳- عزت و آزادگی

تمدن مبتنی بر دین و عقلانیت و دانش و اخلاق، عزت آفرین است. عزت به معنای صلابت، غیرت و حالتی است که انسان و ملتی را مقاوم و شکست ناپذیر می سازد. تمدن توحیدی عزت آفرین است. زیرا، خداوند عزیز است، تمام خزانه هستی از آن او است، هر کس عزتی کسب می کند از برکت دریای بی انتهای است. در پرتو الهامات عزت آفرین قرآن، رسول خدا و مسلمانان صدر اسلام در سختترین اوضاع و شرایط حیات سیاسی و معنوی خود، لحظه ای دچار تردید نشدند. چرا که آنها یقین داشتند که مرگ و زندگی، عزت و ذلت به دست خداست. حضرت آیت الله خامنه ای، عزت را لازمه یک ملت عنوان کرده و آنرا نقطه مقابل احساس حقارت میدانند و می فرمایند: «عزت ملی عبارت است از اینکه: یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود به سرمایه های خود، به تاریخ خود، به مواری تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود نگاه می کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است (خاری آرائی و علی اکبر زاده آرائی، ۱۳۹۴: ۸۳ و ۸۴). در نهضت حسینی عزت به عنوان یک شاخص مهم جلوه نموده است که این مولفه هم می تواند به عنوان الگویی برای تمدن سازی اسلامی مطرح شود. نهضت حسین (ع) حمامه برپا داشتن عزت است و جای جای آن گویای این حقیقت که همه شرافت آدمی به عزت اوت و کسی حق ندارد جز در برابر خدا خود را ذلیل سازد. مومن پیوسته استوار و سازش ناپذیر است و در هر اوضاع و احوالی عزت خود را حفظ می کند و مرگ را بر ذلت ترجیح می دهد. این راه و رسم در حمامه حسینی بیش از هر چیز جلوه دارد که حسین (ع) از پیامبر عزت، چگونه زیستن، انتخاب کردن و مردن را آموخته بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۳۴: ۱۹).

آن که عزتمند است، درین زندگی دنیایی، مال و ثروت، جاه و مکنت و کوچ و رحلت نیست؛ و حسین (ع) برترین نمونه مدرسه پیامبر آموخت که چگونه باید بود و چگونه باید شد. وقتی حربن بزید ریاحی فرمانده سپاه کوفه، راه را بر وی بست و از حرکت کاروان او جلوگیری کرد و او را هشدار داد که اگر دست به شمشیر ببری و جنگی را آغاز کنی، قطعاً کشته خواهی شد. فرمود: «آیا مرا از مرگ می ترسانی و آیا کار شما بدانجا رسیده است که مرا بکشید؟ من در پاسخ تو همان سخنی را می گویم که برادر اوسی پسرعموی خود گفت، آن گاه که می خواست به پاری پیامبر(ص) بستابد و عموزاده اش او را از کشته شدن بیم داد که به کجا می روی که در این راه کشته خواهی شد و او چنین سرود: من به سوی مرگ خواهم رفت که مرگ برای جوانمرد ننگ نیست، اگر در جستجوی حق باشد و در راه اسلام جهاد کند؛ و بخواهد با ایثار جانش از انسان های صالح حمایت کند و با جنایتکاران مخالفت کند و از دشمنی با خدا دوری گزیند. من جان خود را فدا می کنم و بقای آن را خواستار نیستم، و بزودی در جنگی سخت با دشمنی بس بزرگ روبه رو خواهم شد؛ پس اگر زنده بمانم پشیمانی ندارم و اگر کشته شوم ملامت نشوم، ولی برای تو همین بس که چنین زندگی ذلت بار و ننگینی را سپری کنی» (همان: ۳۲-۲۶).

عزتمندی یاران حسین (ع)

شب عاشورا نمایشی بود از شکست ناپذیری آنان که به وجود حسین (ع) عزت یافته بودند. پس از آنکه دشمن آنان را تا روز بعد مهلت داد و مسلم شد که در نبرد نابرابر روز بعد چه روی خواهد داد، حسین (ع) در میان خاندان و یاران خوش خطبه ای خواند و چنین فرمود: «خدای تبارک و تعالی را به نیکوترین ستایش ثنا می گوییم و او را بر گشايش و سختی می ستایم، خدايا تو را می ستایم که ما را به پیامبری کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و به دین و آیین دانا کردی و ما را گوش و چشم و دل بخشیدی و از مشرکانمان قرار ندادی؛ اما بعد، یارانی شایسته تر و بهتر از یارانم نمی شناسم و خاندانی نیکوتر و خویش دوست تر از خاندان خود سراغ ندارم، خداوند همه تان را از جانب من پاداش نیک دهد؛ بدانید که می دانم فردا کارمان با این دشمنان به کجا خواهد کشید، بدانید که من اجازه تان می دهم، با رضایت من همگی تان بروید که حقی بر شما ندارم، اکنون شب شما را دربرگرفته است، پس آن را وسیله رفتن کنید. چون حسین (ع) این گونه سخن راند، خاندان و یارانش وفاداری و پایداری و شکست ناپذیری خود را بیان کردند؛ نشان دادند که هر که عزت یابد، شکست نیابد و تن به خواری ندهد و در دو عالم روسپید ماند» (همان: ۴۰-۳۲).

عملکرد عزت محور حضرت زینب (س)

وقتی ظهر عاشورا فرا می رسد و زینب (س) سیدالشهدا را با آن روحیه قوی می بیند که دشمنش درباره او می گوید: «هرگز تنها مانده ای را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و با این حال دلدارتر و شجاع تر از حسین (ع) باشد.» او نیز زینب دیگری می شود؛ به گونه ای که در غل و زنجیر اسارت، از آن چنان اقتدار و عزتی برخوردار است که احمدی در مقابل او شخصیتی ندارد. مهم ترین عوامل استوار کننده عزت و اقتدار در وجود مقدس حضرت زینب (س) عبارتند از: توکل و اتصال به سرچشمه عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق گرایی و بی نیازی جستن از خلق. (بدیعیان و میر شاه جعفری، ۱۳۸۸: ۱۵) هنگامی که سرمبارک امام حسین (ع) را همراه با اسیران اهل بیت در قصر کوفه به حضور حاکم آنچا بردنده، عبیدالله بن زیاد خود را فاتح جنگ دانسته، اسیران اهل بیت را مورد سرزنش قرار داد و گفت: سپاس خدای را که شما را رسوا کرد و دروغ شما را آشکار ساخت. زینب که در آن حال در بند اسارت بود، با عزت و اقتدار در پاسخ عبیدالله فرمود: «انما یفتخ>f> الفاجر و یکذب الفاجر و هو غیرُنا» آنگاه در جواب سؤال حاکم ستمگر کوفه فرمود: «ما جز زیبایی چیزی

ندیدیم، شهدای ما کسانی بودند که خداوند شهادت را برایشان رقم زده بود و آنان به سوی آرامگاه و جایگاه ابدی خود شتافتند و به زودی خداوند میان تو آنان داوری خواهد کرد، آنگاه معلوم می‌شود که پیروز واقعی این جنگ چه کسی است، مادرت به عزایت گریه کند، ای پسر مرجانه». این است همان چیزی که حسین دربی آن بود و این است درس عزت و آزادگی که زینب در حال اسارت به همه جهانیان برای همیشه تاریخ آموخت، و این است تجلی عینی آیه قرآن کریم که فرمود: «وَلِلَّهِ الْعَزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِكُنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن این منافقان نمی‌دانند. (صادقی از گانی، ۱۳۸۶: ۲۴۳ تا ۲۶۴)

آزادگی (آزادمنشی)

بحث آزادی و حریت در نهضت عاشورا به معنای وارستگی اخلاقی است که شامل «آزادگی» (به معنای تن به ذلت ندادن) و نیز «کرامت نفس و بزرگ منشی» (جوانمردی) می‌شود. امام حسین (ع) به دشمنان خویش می‌فرماید: اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید پس حداقل در دنیا آزاده باشید و اگر عرب هستید به رسم و عادت نیاکان خود عمل کنید. یعنی دین داشتن و ترس از معاد موجب تقوای می‌شود و به انسان اجازه نمی‌دهد که به دیگران ستم کند. ولی راه فطری دیگری هم برای جلوگیری از ظلم هست و آن آزاده بودن است که هر انسانی آزاد آفریده شده و آزادی و آزادگی و احترام به حقوق دیگران را دوست دارد.

دانشمندان در نگرش به راز صعود و سقوط جامعه‌ها، برترین و پایدارترین سرمایه جنبش‌ها را احساس عزت و شخصیت و استقلال اندیشه و ابتکار عنوان می‌کنند، و می‌دانیم که استبداد سیاهکار اموی، گوهر کمیاب احساس عزت و آزادگی و شجاعت و ابتکار را در جامعه کشت و از آن مردم زنده و بالنه، به تدریج گورستانی سرد و خاموش پدید آورد! اما نهضت شکست ناپذیر و زندگی ساز عاشورا به مردم ذلت زده و تحریر شده و مقهور خشنوت و استبداد، جرأت بخشید تا خود را انسان و صاحب حرمت و کرامت بنگرند، خود را به سان حاکمان و مدیران جامعه دارای حقوق و آزادی و امنیت بخواهند، قدرت و حکومت را برخاسته از خواست خدا و نظارت پذیر و تضمین گر حقوق مردم بطلبند، و به خود جسارت و شهادت اندیشه و مقایسه و سنجش و گزینش و نفی آزادانه بدھند (کرمی: ۱۳۹۴، پایگاه اطلاع رسانی حوزه) با تامل در جریان قیام امام حسین(ع) در می‌یابیم که نهضت امام حسین(ع) دارای سه رکن مبارزه با ظالمان حاکم، بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی است و ملتها با الگو گرفتن از قیام عاشورای سالار شهیدان ابا عبد الله الحسین(ع) مبارزه با ظالمان حاکم را برای بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی آغاز کرند. بسیاری از انقلاب‌ها و قیام‌های آزادی خواه و رهایی بخش که بعد از سال ۷۰ هجری قمری به وجود آمده به نحوی از انقلاب کربلا تأثیر پذیرفته است و رهبران نهضت‌های اسلامی به امام حسین(ع) اقتضا نموده و مبارزه علیه ظلم و ستم را از انقلاب عاشورا و رهبر آزادگان جهان امام حسین(ع) آموخته اند (عادلی حسینی، ۱۳۹۱؛ کمیسیون برگزاری سمینار زندگی و کارنامه اهل بیت پیامبر عظیم الشان اسلام).

۴- صبر و استقامت

استقامت و مقاومت یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های ماذی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی رو نیاوردن. این‌ها اساس کار است. باید گفت لازمه رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابرقدرت‌ها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است. این راه استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی و قرآن را در سراسر عالم برافراشته خواهد کرد و عدالت و مردم سالاری به معنای واقعی، کرامت انسانی و آزادی، با تأسی به آن تحقق پیدا خواهد کرد و این، وعده الهی است: خدای متعال و عده قطعی کرده است که "إِنَّ آنَّيْنَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْرَبُوا"؛ استقامت در راه درست نتیجه اش این است که خدای متعال، اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. (خاری آرانی و علی اکبر زاده آرانی، ۱۳۹۴: ۷۲ و ۷۳). در حادثه عاشورا استقامت و صبر در صحنه‌های مختلف مشاهده می‌شود و این صبر و استقامت است که عاشورا را تا الان ماندگار کرده است و الگویی برای تمدن سازی می‌باشد.

امام حسین (ع) در جایگاه‌های متعددی درباره صبر سخن گفته و اهل حرم را نیز به شکیبایی فرا می‌خواند. او خود عملاً درس استقامت و ایستادگی را آموزش داد و در برابر دشمن تنها ایستاد، صبر کرد و تسلیم نشد و در آخرین لحظات زندگی فرمود: «ای پروردگاری که جز تو هیچ معبدی نیست، بر قضای تو صبر می‌کنم»، «ای پناه بی پناهان بر فرمان تو صبر می‌کنم» و این صبر تا آنجا ادامه پیدا می‌یابد که با حال عطش شهید می‌شود، اما تسلیم دشمن نمی‌گردد، بلکه در آخرین لحظه به قاتل خود لبخند می‌زند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

اسوه‌های ایثار و مقاومت

کربلا صحنه‌ی ایثارها، از جان گذشتگی و مقاومت مردان خدا بود که درس ایثار را از امام خویش آموخته بودند.

الف) ایثار و مقاومت امام حسین (ع)

۱- او آزاد مردی بود که تا آخرین قطرهای خون خود را فدای راه خدا کرد. فرزندان و اهل بیت خود را در راه حق داد. یاران صدیق و دوست داشتی خویش را به مذبح برده.
او راضی شد که در راه حق خانواده‌اش (زنان و کودکانش) اسیر شوند. چرا که دین خدا یاری می‌طلبید و این خون‌ها اسلام را زنده می‌کرد. یعنی خدا دوست داشت آن‌ها را اینگونه ببیند.
آرای این امام حسین (ع) است که وقتی او را تیر می‌زنند، کف دست خود را از خون خویش پر می‌کند و بر سر و روی خویش می‌ریزد و می‌فرماید: «(می‌خواهم) خدا را اینگونه آغشته به خون ملاقات کنم.»
۲- وقتی دشمن به امام (ع) وعده‌های جذاب و فربینده می‌دهد، حضرت فریب نمی‌خورد و قبول نمی‌کند و مقاومت می‌نماید.
۳- حوادث سخت، عزم امام را راسخ‌تر می‌کند و از این رو هنگامی که خبر شهادت مسلم و هانی را شنید فرمود: «بعد از اینان دیگر خیری در زندگی نیست.»

ب) ایثار و استقامت یاران

۱- شب عاشورا اوج ایثار و وفاداری:

امام حسین (ع) یارانی وفادار داشت، در حالی که می‌دانند فردا شهید می‌شوند، ولی در کنار حسین (ع) وفادارانه و مردانه می‌ایستند و مرگ همراه با امام را شرف می‌دانند.
۲- وقتی حضرت از قاسم بن حسن (ع) سؤال می‌کند که: «فرزندم مرگ در نظر تو چگونه است؟» جواب می‌دهد: «ای عمو مرگ در نظر من از عمل شیرین‌تر است.»

۳- امام حسین (ع) یارانی داشت که تا وقتی زنده بودند اجازه ندادند امام‌شان به میدان نبرد بروند، بلکه آنقدر ایثار داشتند که تا هنگام شهادت اجازه ندادند خاندان امام نیز به میدان نبرد بروند و تنها بعد از شهادت آن‌ها بود که اهل بیت یکی پس از دیگری به میدان نبرد رفتند و شهید شدند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۰۲ تا ۹۹)

حضرت زینب کبری (س)

در حادثه کربلا، زینب علیها السلام، در حالیکه غم از دست دادن عزیزترین افراد قلب نازنین زینب علیها السلام را می‌آزارد، سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام آغاز شد و با توجه به بیماری امام سجاد علیه السلام قاله سالاری این کاروان غم زده و مصیبت دیده، به عهده زینب بود. این سفر با واقایع تلخی از جمله: نشان دادن سرهای بریده شهدا بر سر نیزه‌ها، بی‌تابی کودکان یتیم و ماتم زده و خسته، بیماری امام سجاد علیه السلام که با حالتی بسیار اسفبار و دلخراش به همراه کاروان در حرکت بود، هتك حرمت حرم رسول خدا، شادمانی مردم کوفه و خارجی خواندن خاندان پیامبر اسلام و صدھا فجایع و مصیبت دیگر، مصیبتهایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان کافی است؛ اما زینب کبری علیها السلام همچون کوهی سترگ و استوار، با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام وظیفه اشگری ظلم بنی امية را به خوبی انجام داد و نهضت حسینی را به جهانیان عرضه کرد. (صادقی: ۱۳۹۱: ۴۷) حضرت زینب (س) در خطبه شان خطاب به بیزید می‌فرمایند: «اکون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردي و همچون اسیران ما را از این سو به آن سو کشاندی به گمان برای ما نزد خدا پستی است و برای تو شرف؟ آیا فراموش کرده ای که خدا در کتاب خود می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنَّفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَرْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مَّهِينٌ». زینب (س) سخن خود را بدین جمله پایان داده و فرمود: «ای بزرگ! پس هر حیله داری به کار برو و ان‌چه می‌توانی بکوش؛ به خدا سوگند که نیکنامی ما از میان نمی‌رود و این لکه ننگ از دامان تو شسته نخواهد شد.» (صدر و خسروشاهی، ۱۳۷۷: ۱۵۰ تا ۱۵۳)

رمز موقیت و راز جاودانگی انسان در همیشه تاریخ بستگی به استقامت و پایداری در مقابل سختی‌های راه دارد و امام حسین (ع) با استقامت و آزادگی خود در برابر بنای شرک و اساس کفر و الحاد و بذل جان و تمام هستی خود در این راه مقدس، باعث دمیدن روح پایداری و آزادی در میان مردم شد، به طوری که در قیام‌های بعد از آن حضرت، این امر به خوبی مشهود است. اگر آزادی خواهان و آزادگان جهان، در راه استقلال و رهایی از ستم و طاغوت‌ها می‌جنگند و الگویشان قهرمانی‌های شهدا کربلاست، در سایه همین درس «آزادگی» است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است (باقي نصرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲)

^۳ کسانی که کافر هستند مپندازند که مهلت دادن ما به ایشان به سود آن‌هاست؛ ما فقط برای این آن‌ها را مهلت می‌دهیم که بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذایی خوار کننده خواهد بود.

با توجه به مباحث مطرح شده و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایتهای معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برآورده نماید»^۱ می‌توان به این نتیجه رسید که ایستادگی و مقاومتی که در فرهنگ عاشورا وجود دارد می‌تواند الگوی خوبی برای ملت و کشور ما باشد به منظور طی کردن مسیری که دستیابی به قله های تمدن را دریی دارد.

۵-عدالت گستری

در اسلام خداوند مظہر عدل کلی است و در نظام آفرینش او جز داد و دادگری و دادگستری وجود ندارد. اساس آفرینش در تمام ابعاد و زندگی موجودات بر مدار عدل و داد استوار است. خداوند خود به عدل و داد فرمان می‌دهد و مردم دادگر را دوست می‌دارد. ایمان به عدل و داد الهی وجود آن در سرتاسر جهان هستی و بنashden آن بر علم و حکمت خداوند، نقش بزرگی در زندگی سیاسی انسان و نوع اندیشه های او و حرکت به سوی کمال، ترقی و توسعه و ایجاد تمدن ایفا می‌کند(جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

با اعتقاد به مسئله عدل و تاثیر سیاسی و اجتماعی آن است که انسان مبارز و فعل، خود را در محضر عدل الهی احساس می‌کند و لذا رفتار خود را به گونه ای تنظیم می‌نماید که تحقق بخش عدل الهی در جامعه بشری باشد و این امر زمینه ساز ایجاد تمدن بر محور عدل و قسط می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۲).

عدالت، فرمان خدا و رسول است و دامنه آن همه امور زندگی را در بر می‌گیرد، اما جهت بارز و عمدۀ آن، عدالت اجتماعی و مراعات حقوق افراد از سوی حکومت هاست و حکومت جائز و سلطه ستم از زشت ترین منکراتی است که باید با آن مبارزه کرد. امویان هم به اهل بیت پیامبر ستم کردند، هم میان بندگان خدا رفتاری ظالمانه و روشنی براساس طغیان و عدوان پیش گرفتند. تکلیف اسلامی هر مسلمان ایجاب می‌کرد که با ستم مبارزه کند، بویژه کسی همچون اباعبدالله (ع) که در موضع امام حق، تکلیف سنگین تر و بیشتری داشت. آن حضرت در یکی از سخنرانی های خویش، با استناد به سخن حضرت رسول (ص)، که قیام علیه سلطه جائزانه را لازم می‌شمارد، خود را شایسته ترین فرد برای قیام جهت تغییر حکومت و ساختار سیاسی قلمداد فرمود. در سخن دیگر حرکت خویش را برای اقامه عدل و رفع ظلم از مظلومین و اینمی یافتن بندگان خدا یاد کرد: «وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ».

ماهیت عدالتخواهی در قیام عاشورا و ظلم ستیزی امام حسین (ع) سرمايه الهام ملت ما در قیام بر ضد طاغوت بود. امام خمینی بر این ماهیت در نهضت سیدالشہدا تصريح کرده می فرماید: سیدالشہدا سلام الله عليه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود.

عدالت به معنای برخورداری همه از حقوق اسلامی و انسانی و رعایت یکسان حق میان همه و همه را به یک چشم دیدن نیز در نهضت عاشورا متجلی است. امام حسین (ع) روز عاشورا بر بالین همه شهیدان حاضر شد، چه جوان خودش و چه غلامش، چه مولی و چه نوکر، همه ار عنایت آن حضرت برخوردار شدند (محاذی: ۱۳۸۳).

در آموزه های اسلامی و پیشوایان دینی، عدالت اهمیت بسزایی در دوام و پایایی و رشد و پویایی جامعه دارد و جامعه متمدن اسلامی آن است که در اجرای عدالت و تأمین حقوق همه مردم بر اساس شایستگی های آنان می‌کوشد. بر این اساس بهره‌مندی از نظام بپادانده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته های تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می‌رود و نادیده انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی هستی است. رهبری انقلاب با اشاره به موضوع عدالت گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده اند: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی، ظاهری و بادکنکی است. لذا شاخصه عدالت از مهمترین خصوصیات تمدن اسلامی دربرابر تمدن غربی است؛ چراکه در مکاتب غربی مثل لیرالیسم نه تنها جایی برای تحقق عدالت و حفظ کرامت انسانی وجود ندارد، بلکه به فرموده رهبر انقلاب عمیق تر شدن فاصله و شکاف طبقاتی را شاهد هستیم» (خاری آراني، علی اکبرزاده آراني، ۱۳۹۴: ۷۰).

سیدالشہدا پیام دار بزرگ عدالت خواهی است. در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا به لشکریان دشمن فرمودند: "به حمایت و پشتیبانی دشمنانتان علیه پیشوایانتان به پا خاستید؛ بدون اینکه این دشمنان قدم عدل و دادی به نفع شما بودارند." این چه داستانی است که در درون بعضی رخ می دهد و به جایی می رسد که وقتی در مسیر، حضرت امام از فرزدق شاعر پرسید کوفه را چگونه دیدی گفت: قلبها یشان با شمامست، درحالی که شمشیرها یشان برشمامت. حسینی می اندیشند و یزیدی عمل می کنند. آیا جز این است که عدالتخواهی،

^۱ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

آزادی درونی می خواهد و انسان اگر درون را نساخته باشد گوش به حق نخواهد سپرد و حتی امامش را چنین به فریاد وامی دارد که: "وای بر شما چرا گوش فرا نمی دهید تا گفتارم را که شما را به رشد و سعادت فرا می خواند بشنوید."(حاج محمدی، ۱۳۸۲: ۲۹۰ و ۳۰)

عدالت بر مدار اصول و مقاهیم فطري استوار است ، زیرا که مفهوم مشترک انسانی است و ناشی از امور ثابتی است که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است. از این رو تمدن نوین اسلامی اساس توسعه را بر عدالت اجتماعی و نفی تبعیض نژادی یا قومی و ریشه کنی فقر برای برساختن آینده ای امت محور قرار داده است. در صورت توسعه عدالت محور است که تمدن نوین اسلامی قادر است آینده ای را رقم بزند که مقاهیم خطی پیشرفت را با مقاهیم دوری توسعه در بستر زمان همبسته و همپیوند سازد و رشد اقتصادی را با توزیع اقتصادی، تعالی معنوی و توسعه سیاسی همگون و سازگار گرداند. توجه به حقوق و آزادی های اساسی شهروندان و تقویت جامعه مدنی برای پاسخ دیالکتیکی آن به نقش آفرینی اسلام سیاسی و رعایت کرامت انسانی و ارتقای معنویت آگاهی و درنهایت رعایت اعتدال و توازن در جامعه یعنی دوری از افراط و تغییر از جمله پیامدهای توسعه عدالت محور است که موجب برقراری نوعی موازنۀ صحیح در مناسبات اجتماعی براساس شایسته سalarی و فضیلت مداری می شود(دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۰۲ و ۱۰۱).

ایجاد تمدن نوین اسلامی در گستره عظیمی مدنظر است. زمانی می توان از تمدن نوین سخن گفت که به خواسته فطري بشر یعنی اقامه عدل و داد پایبند باشیم. امام حسین (ع) در قیام خود توائیت با مقابله با دستگاه ظلم زمان خود، زمینه ایجاد عدالت را در همه زمان ها به وجود آورد. در تمدن نوین توجه به عدالت و برخورد مساوی با همه اقسام و طبقات مختلف اجتماعی ضروری است.

۶-شهادت طلبی

از جمله نمادهای فرهنگی سیاسی شیعه، که در گسترش آن نقش مؤثری داشته است ، ایدئولوژی منحصر به فرد آن بود. ایدئولوژی که کانون آن ایثار و شهادت در مبارزه با ظلم و بی عدالتی است. در رأس این ایدئولوژی ائمه معصومین(ع) عالمان شیعی و روحاںیون و دیگر بزرگان دینی قرار داشتند. در واقع روحیه ایثار و شهادت طلبی در مکتب شیعه، یکی از ارزش های سیاسی و اعتقادی شیعیان است. شیعه اعتقاد خاصی به شهادت دارد. با مروری بر تاریخ زندگانی ائمه(علیهم السلام) می بینیم که تمامی آن ها به دست دشمنان، مقتول یا مسموم شده اند. این ارزش بزرگ، با نام حسین بن علی علیه السلام در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است و شیعیان لقب سیدالشهداء را برای او از هر کس دیگری مناسب تر می دانند؛ زیرا شهید با ایثار قطرات خونش در پیکر جامعه، خونگرم و زنده ای را به جریان می اندازد و راه خدا را باز می کند و سدها و موانع را بر می دارد (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۱).

در حقیقت در اسلام، هیچ امری بعد از اصول دین بالاتر و مهمتر از رهبری و زمامداری نیست. زیرا همه حدود و احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر تنها با وجود ولایت و حکومت عدل تحقق پیدا می کند و در همین راستا خداوند در قرآن از لزوم اطاعت از رهبران حق بعد از اطاعت از ذات اقدس الهی و پیامبرانش یاد کرده است (نیکخو، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

در زمان امامت حضرت سیدالشهدا یزید علیرغم روش پدرش علنا فسق و فجور می کرد و هیچ ابایی نداشت و هیچ سابقه ای در اسلام نداشت و میان صحابه مشروعیت نداشت و از طرفی تعداد زیادی از مردم کوفه برای هراحتی با امام اعلام آمادگی کرده بودند. در این شرایط امام دید اگر از این فرصت برای افشاری چهره واقعی بنی امیه استفاده نکند، چیزی از دین خدا باقی نمی ماند و قیام کرد. نتیجه قیام امام و یارانش این بود که حرکت اصلاح طلبانه ایشان در صورت امکان منجر به تشكیل حکومت اسلامی می شد و در غیر اینصورت با شهادت خود و یارانش به هدف بزرگ خود که احیای دین بود، مرسید (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۹۵). اسلام به مسلمانانش زنده است و اگر مسلمانان تحت ولایت حکومت طاغوت قرار می گرفتند، از اسلام چیزی باقی نمی ماند. در واقع امام با قیام خود قصد این داشت که احکام دینی را احیا کند و جلوی انحرافات را بگیرد (مستحسن، ۱۳۹۳: ۹۳).

امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌اش به محمد حنفیه هدف خود را اصلاح امت اسلامی و تامین خیر و سعادت آنان معرفی کرده است و به دنبال آن می فرماید که می خواهیم امر به معروف و نهی از منکر کنم. حال این که کدام منکر است که امام (ع) برای جلوگیری از آن تا سرحد شهادت پیش رفته است. این موضوع همان است که ایشان کنار قبر پیامبر (ص) در مناجات خود بیان می داشت و به حکومت رسیدن فرزند معاویه است. از این‌رو ایشان از عاشورا که آخرین فرست بود، نهایت استفاده را برد و طی خطبه‌ای، فساد حکومت و شرایط دردنگ جامعه اسلامی را افشا نمود و بیعت با یزید را ذلت و ننگ می شمارد. این پیام خطاب به همه جهانیان در همه اعصار است که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند به دور از محدودیت نژادی و مکانی. (نیکخو، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۱۴).

سخنان امام حسین ع با حر هنگام حرکت به سوی کوفه:

به زودی می روم و مرگ برای جوانمرد عار و ننگ نیست هنگامی که نیتش حق باشد و در حال اسلام جهاد کند و با جانش با مردان صالح مواسات کند و از شخص رانده شده از رحمت الهی جدا شود و با مجرم وداع کند. پس اگر زندگی کنم پشیمان نمی شوم و اگر بمیرم مذمت و ملامت نمی شوم. برای خواری همین بس که با ذلت و سرافکندگی زندگی کنی.

شهادت طلبی در مسلک عاشوراییان بسان تنها راه رهابی از حاکمیت ضد ولایت مطرح است و به تبعیت از امام و پیشوایشان می‌دانستند که بقای دین و حیات اسلام، تنها با شهادت طلبی میسر است و این روحیه بود که در شب عاشورا حتی زمانی که بیعت را از گردن اصحاب برداشت، همگی به تاسی از مولایشان خود را آماده شهادت در راه خدا نمودند. این فرهنگ همان فرهنگ اهل بیت و فرهنگ عاشوراست که موجب شد که دل از تعلقات دنیوی برکنند و در راه حفظ نظام اسلامی ایثارگری نمایند. (نگارش، بی‌تا، ۱۱۸-۱۲۰).

مکتب عاشورایی با تحول در بینش‌ها و ارزش‌ها، انسان‌هایی را پرورش داد که برای دفاع از این مکتب، از جان و مال خویش می‌گذشتند و حتی پدر و پسر در میدان جهاد و شهادت بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند. در عرصه رفتار سیاسی اوج ایثار امام و یارانش، در گذشتن از جان و شهادت در راه هدف و آرمان‌های الهی تبلور پیدا می‌کند. امام زمانی که می‌خواست از مکه حرکت کند ضمن خطبه‌ای، از زیبایی مرگ در راه خدا سخن گفت و از همراهان خواست هر کس آمادگی کشته شدن در راه خدا را دارد، همراه ایشان برود (مزینانی، بی‌تا: ۸).

امام خمینی فرموده است: «آنها یکی که خیال می‌کنند حضرت سیدالشدها برای حکومت نیامده، خیر این سخن درست نیست بلکه اینها برای حکومت آمدند، برای این که باید حکومت دست مثل سیدالشدها باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشدها هستند، باشد» (مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

عاشورا به این دلیل که تنها واقعه‌ای است که طی آن یکی از ائمه معصومان (علیهم السلام) همراه با یاران و بسیاری از اهل بیتش به شکلی خاص و منحصر به فرد، که برانگیزاننده احساس و عواطف انسانی است، به شهادت می‌رسند، جایگاهی ویژه و نمادین در فرهنگ تشیع دارد و منشأ بسیاری از قیام‌ها و حرکت‌های انقلابی و خونین در تاریخ شیعه محسوب می‌شود. تأکیدها و سفارش‌های ائمه (علیهم السلام) بر بزرگداشت یاد و خاطره حادثه عاشورا، موجب گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در میان شیعیان شده است. ماجراهی نهضت امام حسین (ع) در کربلا و وضعیت اهل بیت و اصحاب ایشان و عشق به شهادت در راه خدا و استقبال از آن با علم به شهادت و خوشحالی آنان در شب عاشورا همگی گواه صادقی است بر مشروعیت و فضیلت شهادت طلبی و استقبال از مرگ. در بسیاری از موارد یاد شده با اطمینان می‌توان گفت که آن بزرگواران خود در سلسله‌ی علل و اسباب شهادت خویش قرار دارند، و شاید مهم ترین علت و سبب مرگ و شهادت آنان، رفتارشان و شیفتگی‌شان از شهادت باشد. حتی یکی از تحلیل‌های قوی و معتبر از قیام ابا عبدالله (ع) این است که آن حضرت چون می‌دانست با حیات خود نمی‌تواند اسلام را از خطر حکومت بن یامیه نجات دهد، با مرگ و شهادت خویش این مهم را تحقق بخشید و مشعل هدایت بشر و اسوه‌ی مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شد (حاقانی آور، ۱۳۹۰). وجود شهامت گذشتن از جان از روی آگاهی و علم، پتانسیل فراوانی را در جوامع اسلامی ایجاد می‌کند که برعلیه حکومت جور بایستند و تسليیم نگرددند، بدین ترتیب که تا تحقق کامل اهداف الهی و پیاده کردن احکام و قوانین الهی ادامه می‌یابد.

برای تکوین تمدن نوین اسلامی لازم است افرادی وجود داشته باشند که با پیروی از راه سیدالشدها برای دستیابی به آرمان‌های متعالی اسلامی همواره دارای روحیه از خودگذشتگی و شهادت طلبی باشند. اگرچه جان آدمی عزیز است، اما سیدالشدها به ما آموخت که گاهی بهای احیای ارزش‌های والای انسانی و اسلامی، گذشت از جان است. بنابراین ما در مکتب امام حسین (ع) آموخته ایم تا زنده ایم در راه و هدف خود موثر باشیم و در غیر اینصورت با گذشتن از جان خود ارزش‌هایمان را زنده نگه داریم.

نتیجه گیری

عاشورا صحنه کاملی از عوامل زمینه‌ساز تمدن را در خود پرورانده است و با اغنایی که در این زمینه فراهم آورده است بارها و بارها توسط آزادیخواهان جهان مورد توجه قرار گرفته است و قابلیت این را دارد که به عنوان الگوی مجسمی برای حرکت در مسیر تمدن‌سازی مورد توجه جهان اسلام قرار گیرد. لذا این مقاله در حد توان خویش مولفه‌هایی چند از این حرکت عظیم را گردآوری نموده و به تبیین نقش آنها در تمدن‌سازی پرداخته است. این مولفه‌ها عبارتند از: ظلم‌ستیزی، اصلاح‌طلبی، آزادگی و عزت، صبر و استقامت، عدالت‌گسترشی و شهادت‌طلبی.

- ظلم‌ستیزی اصل روحیه سازش ناپذیری را با ظلم و ستم را ایجاد می‌نماید و فرهنگ عاشورا با ابعادی که در این مسیر گام برداشت این مهم را به جهانیان آموخت که در برابر ظلم سکوت نکنند و حرکت‌آفرین باشند. مجموع این حرکت‌ها گامی است در ادامه انقلاب اسلامی برای تحقق تمدن نوین اسلامی.

- اصلاح‌طلبی حق‌طلبی را به بار می‌آورد و اصل امر به معروف و نهی از منکر را تداعی می‌کند. بینش و نگرش قوی امام موجب شد که انحراف از دین پیامبری را درک کند و برای اصلاح جامعه اقدام نماید عاشورا این درس را می‌آموزد که برای اصلاح اجتماع و حکومت گاهای باید تا پای جان پیش رفت و حکومت الهی را جایگزین حکومت طاغوت و گمراه زمان نمود.

- در آموزه‌های دینی آمده که هیچ مسلمانی نباید زیر بار ظلم هیچ شخص یا حکومتی قرار بگیرد. حفظ شانیت فرد مسلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که در روایات فراوانی به آن پرداخته شده است. سیدالشدها (ع) تحت هیچ شرایطی نپذیرفت که با حکومت جور بیعت

نماید و به هیچ وجه حاضر نشد که به قیمت حفظ جان خویش و اعوان و انصار تن به ذلت دهد و تحت حکومت بنی امیه قرار گیرد. نتیجه این شد که ملتها بالگو گرفتن از قیام عاشورا، مبارزه با ظالمان حاکم را برای بازگشت به هویت اسلامی و آزادی و آزادگی آغاز کردند.

- ایستادگی و مقاومت در راه رسیدن به آرمان الهی در تمام وقایع عاشورا مشهود است. صبر امام حسین (ع) بی نظیر است. ایشان در طول یک روز حادثی را تجربه نمود که هیچ انسانی را تاب مقابله با آن نیست اما ایشان در حالی که عزیزترین کسانش را از دست می داد، به کارها رسیدگی می کرد و چنان به دشمن حمله می برد که آن ها می گریختند. صبر جلوه های فراوانی در عرصه عاشورا داشت. چه در روز عاشورا و چه بعد از شهادتشان تا این فرهنگ عظیم به امتشان منتقل شود. در واقع درست است که این فرهنگ بی بدیل در آن زمان به تمدن ختم نگردید اما در راستای آن قدم گذاشت و راه را برای تحقق نوین اسلامی باز نمود.

- اجرای عدالت از ملزمومات جامعه دینی است و عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته های تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می رود. تمدن اسلامی زمینه ای را فراهم می آورد که همگان از موهبات یکسانی برخوردار گردند. در زمان امام حسین نیز نگاه یکسان به افراد جامعه وجود نداشت و در توزیع اقتصادی و سیاسی عدالت رعایت نمی شد و ایشان این عدول حکومت را بنتافت و نهضت عاشورا در جهت حکومت عادلانه دینی برپا شد.

- در فرهنگ عاشورا اوج ایثار تبلور یافته است و افراد از بذل جان برای ایجاد حکومتی که در راس آن امام زمان خویش و خدا محوری حاکم باشد شهادت طلبی هیچ واهمه ای نداشتند. امام (ع) با تمام قوا و با نهایت ایثار در راه استقرار حکومت جدش وارد عمل شد و شهادت طلبی را در تار و پود جامعه دینی نهادینه کرد. لازمه تغییرات بزرگ در عرصه جهانی، پذیرش ایثار با تمام ابعاد آن است. چنان که در ادامه انقلاب اسلامی ایران و در موج بیداری اسلامی، این روحیه کاملاً قابل مشاهده است.

منابع

- [۱] آقاتهرانی، مرتضی (۱۳۸۵). یاران شیدای حسین بن علی (ع)، چاپ سوم، تهران: صادق آل محمد(موسسه فرهنگی وراء منظر).
- [۲] باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۲). "عوامل پایداری و جاودانگی نهضت عاشورا، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۷.
- [۳] بینا، بیتا، «بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و عرفانی نهضت سیدالشهدا علیه السلام». فصلنامه معرفت. شماره ۳۴.
- [۴] تقوی، علی؛ صادقی، حسین (۱۳۸۲). درس صبر و استقامت در مکتب زینب علیها السلام، مجله مبلغان، شماره ۴۵.
- [۵] صدر، سیدرضا؛ خسروشاهی، سیدیاقر (۱۳۷۷). استقامت، قم: موسسه پوستان کتاب.
- [۶] خاری آرائی؛ مجید و علی اکبر زاده آرائی؛ زهرا (۱۳۹۴)، مبانی و مولفه های تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- [۷] خاقانی آور، راضیه. (۱۳۹۰). «ایثار و شهادت در آموزه های سیاسی - فرهنگی شیعه». مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت، دانشگاه زنجان، مندرج در سایت نوید شاهد، ۱۳۹۰، به آدرس:
<http://www.navideshahed.com/fa/print.php?UID=260964>
- [۸] جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- [۹] حاج محمدی، محمد (۱۳۸۲). اهداف حسینی و عملکرد ما، تهران: فروغ نور.
- [۱۰] خرمشاهی، محمدباقر. (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی». فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۲۳ه.
- [۱۱] خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). ولایت فقیه: حکومت اسلامی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۱۲] دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم اندازها، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.

- [۱۳] رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۹). آموزه های تربیتی عاشورا، اصفهان: شهید مسلم.
- [۱۴] روذرگر، محمدجواد (۱۳۸۱). اصلاح گرایی در نهضت عاشورا، رواق اندیشه، شماره ۱۵.
- [۱۵] سبحانی نیا، محمدتقی (۱۳۹۵). تاثیر قیام عاشورا بر تمدن سازی اسلامی، خبرگزاری رسمی حوزه.
- [۱۶] سلیمانی امیری، جواد (۱۳۹۳). تحولات جامعه مسلمین از رحلت پیامبر(ص) تا عاشورا، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان.
- [۱۷] شجاعی، هادی (۱۳۹۴). «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در بررسی تمدن نوین اسلامی». *مجموعه مقالات نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- [۱۸] صادقی ارزگانی، محمد امین (۱۳۸۶). *جلوه های عرفانی نهضت حسینی*. قم: موسسه بوستان کتاب.
- [۱۹] طوقانی، ابوذر (۱۳۹۲). *تمدن اسلامی، بستر سعادت و تکامل بشر، تمدن اسلامی، از ظهور تا ثبوت*. پایگاه تخصصی معارف اهل بیت (ع).
- [۲۰] عادلی حسینی، سید جعفر (۱۳۹۱)، اثرات قیام امام حسین(ع)، کمیسیون برگزاری سمینار «زندگی و کارنامه اهل بیت پیامبر عظیم الشان اسلام(ص)
- [۲۱] عروتی موفق، اکبر (۱۳۸۵). پیامبر اعظم (ص) بنیانگذار تمدن اسلامی "مجله معرفت" ، شماره ۱۱۰.
- [۲۲] علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۵). *تنها علاج: با امام حسین(ع) به همه جا می توان رسید*. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- [۲۳] غلامی، نادر و حمیده حسن خانی (۱۳۹۴). «*کیفیت برنامه‌ریزی برای تشکیل دولت تمدن بزرگ اسلامی جهانی امام عصر (ع)*». *مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی*. تهران: دانشگاه شاهد.
- [۲۴] کرمی، علی (۱۳۹۴) "قرآن و جلوه های عزت و آزادگی در نهضت امام حسین علیه السلام، مجله فرهنگ جهاد". شماره ۲۹.
- [۲۵] نجفی، محمدجواد؛ رهبر، حمید (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی انگیزه های قیام امام حسین (ع) از بعد کلامی شیعه، *فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی*، شماره ۲۵.
- [۲۶] محدثی، جواد (۱۳۸۳). *پیام های عاشورا*. قم: فراز اندیشه.
- [۲۷] مرکز مطالعات راهبردی خیمه (۱۳۸۸). *عاشورانامه*. جلد دوم، قم: انتشارات خیمه.
- [۲۸] مزینانی، محمدصادق. بی‌تا. «درس‌ها و عبرت‌های عاشورا در عرصه رفتار سیاسی». *فصلنامه حکومت اسلامی*. شماره ۲۷.
- [۲۹] مستحسن، عبدالله (۱۳۹۳). *سفری از عاشورا تا اربعین*. قم: مشهور.
- [۳۰] مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). *اسلام و تمدن جدید*. تهران: صدرا.
- [۳۱] مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *شهید و شهادت*. تهران: انتشارات صدرا.
- [۳۲] مظفری، آیت. ۱۳۸۷. شاخص های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه وآلہ، مندرج در سایت راسخون
- [۳۳] نجفی، محمدجواد؛ رهبر، حمید (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی انگیزه های قیام امام حسین(ع) از بعد کلامی شیعه، *فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی*، شماره ۲۵.

- [۳۴] نظری منفرد، علی. (۱۳۹۳). *نهضت‌های پس از عاشورا*. قم: سرور.
- [۳۵] نعمه سماوی، محمد. ترجمه موسی دانش. (۱۳۸۷). *امام حسین (ع) و پگاه پیروزی /ج ۲*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- [۳۶] نگارش، حمید. بی‌تا. «شاخص‌های فرهنگ عاشور». *فصلنامه پیام*. شماره ۸۶.
- [۳۷] نورانی‌نژاد، حسین و همکاران. (۱۳۸۳). *عاشورا در گذار به عصر سکولار*. تهران: کویر.
- [۳۸] نیک‌خواه، مهدی. (۱۳۸۴). *عاشورا شکوه عزت و افتخار*. قم: دارالثقلین.
- [۳۹] شاخص‌های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم (ص) <http://rasekhoon.net/article/show/114833>